

بررسی موانع و راهکارهای بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزش عالی فنی - مهندسی

جمال سلیمی^۱؛ نعمت‌الله عزیزی^۲؛ بهروز علیمحمدی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۰۹ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸

صص ۸۱ - ۵۵

چکیده

هدف این پژوهش بررسی راهکارهای بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزشی در حوزه فنی - مهندسی و همچنین بررسی موانع احتمالی در این مسیر است. جامعه آماری پژوهش شامل اساتید هیأت علمی گروه‌های دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه‌های شهر سنندج (اعم از دانشگاه کردستان، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد، دانشگاه علوم تحقیقات سنندج و دانشگاه علمی کاربردی)، که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تدریس و آموزش هستند. تعداد اعضای هیأت علمی مذکور ۸۵ نفر بود و بنا بر محدود بودن جامعه آماری از روش سرشماری استفاده شد. راهبرد پژوهش کمی و روش پژوهش از نوع توصیفی است که برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه پیمایش استفاده شده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل یک پرسشنامه است که بر مبنای طیف لیکرت و بر اساس مؤلفه‌های اصلی پژوهش، یعنی موانع و راهکارهای احتمالی بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزشی (برنامه‌های درسی، سیاستگذاری‌های آموزشی، مدیریت آموزشی، محیط آموزشی و ...) طراحی شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های t تک نمونه‌ای، t مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد است. براساس نتایج تحلیل داده‌ها، می‌توان گفت که بین نظرهای اعضای هیأت علمی به تفکیک جنسیت آنها در خصوص موانع بین‌المللی کردن آموزشها تفاوت معناداری وجود ندارد. بین نظرهای اعضای هیأت علمی به تفکیک گروه آموزشی آنها در خصوص موانع بین‌المللی کردن، تفاوت وجود دارد. همچنین نظرات اعضای هیأت علمی با مرتبه‌های دانشگاهی مختلف در مورد تاثیر راهبرد سیاستگذاری بر بین‌المللی شدن دانشگاهها در حوزه فنی - مهندسی معنی‌دار نبود در حالی که این تفاوت برای راهبردهای رابطه محور، ساختاری، خدمت محور معنی‌دار بود.

واژه‌های کلیدی: برنامه آموزشی؛ بین‌المللی کردن دانشگاه؛ جهانی شدن؛ برنامه‌های آموزشی در آموزش عالی؛ حوزه فنی - مهندسی

^۱ - استادیار برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسول) j_salimi2003@yahoo.com

^۲ - استاد برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه کردستان nematollahazizi@gmail.com

^۳ - کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی - دانشگاه کردستان behroozalimohamadi@gmail.com

مقدمه

بین‌المللی سازی^۱ فرایند تلفیق ابعاد بین‌المللی، میان فرهنگی و جهانی به درون هدف، عملکرد و اجرای آموزش عالی به شیوه‌ای است که احترام به تفاوت‌های فرهنگی و سنت‌ها را ارتقاء بخشد (خشنودی فر و فتحی‌اجارگاه، ۱۳۹۰) و بین‌المللی شدن آموزش عالی به معنای دادن هویت بین‌المللی به دروس و رشته‌ها و ساختارهای آموزش دانشگاهی (کنیت^۲، ۲۰۰۴)، از طریق آموزش و ترویج برنامه‌های درسی به فراسوی مرزهای جغرافیایی و تلقی مردمان جهان به عنوان شهروندان جامعه جهانی است (فتحی‌اجارگاه و دیبا‌اجاری، ۱۳۸۹).

در چند دهه گذشته تغییرات وسیعی در نظام‌های آموزشی کشورهای سراسر جهان به وقوع پیوسته، تغییراتی که عمدتاً ناشی از گسترش نیاز جوامع در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... بوده است؛ جوامع برای پاسخگویی به انبوه تقاضای افراد به آموزش، نظام‌های آموزشی خود را توسعه داده‌اند این توسعه در ابعاد کمی و کیفی و همچنین روش‌های آموزش صورت گرفته است برقراری ارتباط در میان نظام‌های آموزش عالی از جمله این دگرگونی‌ها بوده است (آتران^۳، ۲۰۰۵). گسترش مبادلات بین‌المللی و دسترسی آسان‌تر به مردمان جوامع مختلف در سایه پیشرفت علم و فناوری، مفهوم مرزهای جغرافیایی و محصور بودن در یک مکان را به چالش کشیده و نظام‌های آموزشی را با مفهوم شهروند جهانی و مقید بودن به توسعه و بهسازی این شهروندان در جای جای دنیا آشنا ساخته است (خشنودی فر و فتحی، اجارگاه، ۱۳۹۰).

توسعه روز افزون فناوری اطلاعات و ارتباطات و برقراری تله کنفرانس‌های بین قاره‌ای و ماهیت دانش به طور کلی نشان دهنده آنست که علم و تخصص حد و مرز نمی‌شناسد و در نتیجه دانشگاه‌ها به طور اجتناب ناپذیری مؤسسات بین‌المللی محسوب می‌شوند (بوستروم^۴، ۲۰۰۹؛ تاگارت^۵، ۲۰۰۳). برای هماهنگ شدن مؤسسات آموزش عالی ایران با این تغییرات گسترده و عقب نماندن از سیر صعودی نظام‌های آموزشی دنیا باید به اصلی‌ترین عنصرهای بین‌المللی سازی دانشگاه‌ها (برنامه‌های آموزشی و برنامه درسی؛ محیط آموزشی، ساختارهای مدیریت و عوامل موثر بر آن) پرداخت. امروزه مهم‌ترین هدف دانشگاه‌ها بین‌المللی سازی است (ترمبل^۶، ۲۰۰۲). حضور در بازار کار جهانی و انواع جدید مشاغل و همچنین پذیرش

1. Internationalization

2. Knight

3. Attaran

4. Bostrom

5. Taggart

6. Tremblay

مسئولیت‌های جدید دانشجویان به عنوان اعضای جوامع جهانی نیازمند کسب صلاحیت است که در رویکرد سنتی قابل دسترسی نیست (حکیم زاده، ۱۳۸۹). در این راستا بین‌المللی شدن آموزش عالی فرایندی است که به عنوان راهکار و پاسخ منطقی برای چالش‌های برآمده از جهانی شدن توسط صاحب نظران آموزش عالی و به دنبال آن دانشگاه‌های پیشرو در جهان مورد توجه قرار گرفته است (اسکات^۱، ۱۹۹۸ و مهرعلیزاده، ۱۳۸۲). لذا بر طبق اهمیت برنامه‌های آموزش عالی مسأله اساسی پژوهشگر در پژوهش کنونی بررسی موانع بین‌المللی شدن این برنامه‌ها در آموزش عالی و راهکارهای دست یابی به این فرایند و ادامه آن همگام با برنامه‌های استاندارد جهانی است. در این راستا همکاری و همگامی با چرخ‌های همیشه در گردش توسعه برنامه آموزشی و محصور نکردن مؤسسات آموزش عالی ایران در داخل مرزهای کشور منجر به شکوفا شدن هرچه بیشتر توانایی‌های اساتید و دانشجویان و به دنبال آن مؤسسات آموزش عالی می‌شود (مهرعلیزاده، ۱۳۸۲).

بهره‌گیری بهتر و بیشتر از علوم و دستاوردهای دیگر ملل و همچنین شناساندن فرهنگ و تمدن ایرانی به سایر ملت‌ها در سایه بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزشی توسعه پایداری برای مؤسسات آموزش عالی ایجاد می‌کند. بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزشی و درسی باعث سازگاری با فرهنگ ناآشنا می‌شود؛ ماندن در دنیای که به واسطه ارتباطات به هم نزدیک شده و محیطی متنوع از لحاظ فرهنگی و اجتماعی را به وجود آورده نیز مستلزم برنامه‌های آموزشی و درسی بین‌المللی است (لی اسک^۲، ۲۰۰۴). فارغ‌التحصیلان نیاز به مهارت‌های جدیدی دارند آن‌ها باید بتوانند با فرهنگ ناآشنا سازگار شوند و در محیطی که از لحاظ فرهنگی و اجتماعی متنوع است فعالیت نمایند و به تفاوت‌های میان افراد احترام قائل شوند و نهایتاً قادر باشند در یک جامعه بین‌المللی به طور موثر و رضایت بخشی زندگی کنند (ضرغامی، ۱۳۸۷).

اگر جهانی شدن را طرح/ فرایندی در حال وقوع تلقی کنیم و اذعان کنیم که آگاهی در آن نقشی اساسی دارد، آنگاه می‌توان از نقش برنامه‌های آموزشی در جهت رشد آگاهی فراگیران در تبیین چپستی و چگونگی این طرح فرایند و بازخوانی آن سخن گفت. مهم چگونگی شکل‌دهی به این برنامه‌ها برای تغییر نگرش و افزایش آگاهی فراگیران درباره جهانی شدن و نقشی است که آن‌ها بر عهده دارند. درباره جهانی شدن نظریه‌های گوناگونی وجود دارد و شاهد تبیین‌های مختلف اقتصادمحور، اجتماع محور و فرهنگ محور از آن هستیم (مک‌گین^۳،

1. Scott

2. Leask

3. McGinn

۱۹۹۷؛ چیلدرز^۱، ۲۰۱۰). در این زمینه نکات قابل تأملی در ارتباط با نظام آموزشی و طراحی برنامه‌های آموزشی وجود دارد:

ترجیح هر یک از نظریه‌های جهانی شدن از سوی متخصصین و سیاست‌گذاران آموزشی، دلالت آشکار و ضمنی برای نظام آموزشی و نقش آن خواهد داشت (آراسته و همکاران، ۱۳۸۷) برای اینکه تحلیلی اقتصاد محور از فرایند جهانی شدن دارد، برای مواجهه‌ی صحیح سیاست‌های آموزشی و برنامه‌های درسی با این فرایند، راهکارهای چون «تأکید بر موضوعات علمی و فناورانه در برنامه‌های دانشگاهی، بهره‌گیری از آزمون‌های استاندارد در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، تأکید به آموزش‌های پیش از دبستان و افزایش نظارت دولت مرکزی بر عملکرد مدارس بر طبق استانداردهای جهانی بهره‌وری» را پیشنهاد می‌کند (الینگ بوی^۲، ۱۹۹۸؛ رابی^۳، ۲۰۱۰) نیز اشاره می‌کند اگر جهانی شدن را فرآیندی اجتناب ناپذیر و پیرو منطق انباشت سرمایه یا پویای تجدید تلقی کنیم، آنگاه نظام آموزشی منفع‌عمل خواهد کرد و به ابزاری در خدمت گسترش و تسریع جهانی شدن تبدیل می‌شود. در مقابل با تغییر نگرش در مورد جهانی شدن، نظام آموزشی می‌تواند نقشی فعال در رویاروی با جهانی شدن ایفا کند (ترمبلی، ۲۰۰۵). بر طبق اینکه با محور واقع شدن هر یک از ابعاد اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی در نظریه پردازی درباره جهانی شدن، سایر ابعاد به حاشیه رفته و نادیده انگاشته می‌شوند. از این رو به نظر می‌رسد رسالت نظام آموزشی در جامعه‌ای که یکی از ابعاد جهانی شدن برجسته‌تر است، مرکز زدایی از آن و تأکید بر سایر ابعاد در برنامه‌ها و آشکار کردن پیچیدگی جهانی شدن و ابعاد آن است (آلتباخ^۴، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۱). در همین راستا (پاپاستفانو^۵، ۲۰۰۵) با بر گرفتن چنین دیدگاهی به تبیین جایگاه و نقش تعلیم و تربیت^۶ پرداخته است (ماتی و انویسکا^۷، ۲۰۱۴). به زعم او جهانی شدن همچون فرآیندی در حال وقوع به ابزاری ایدئولوژیک در خدمت حکومت‌ها درآمده است تا برخی سیاست‌های خود را که از شیوه‌های دیگر به اقبال نمی‌رسند اعمال کنند. اما جهانی گرایی که نظریه پردازی درباره جهانی شدن است نقش تشخیصی^۸ دارد و می‌تواند به بررسی مقاصد سلطه طلبانه گسترش جهانی شدن بپردازد او مدعی است تعلیم و تربیت می‌تواند اثرات منفی جهانی شدن را خنثی کند و

^۱ . Childress

^۲ . Ellingboe

^۳ . Ruby

^۴ . Altbach

^۵ . Papastephanou

^۶ . Education

^۷ . Matei & Iwinska

^۸ . Diagnostic

قابلیت‌های آن را به شیوه دمکراتیک گسترش دهد و برای این منظور نظریه «آموزش جهان شهرنگر^۱» را پیشنهاد می‌کند.

عنصر اساسی این نظریه، تغییر آگاهی فراگیران در جهت نفی تضاد^۲، مخالفت^۳ و رقابت^۴ در مناسبات جهانی است (کر^۵، ۱۹۹۰). به این ترتیب باید در طراحی برنامه‌ها دقت کرد آگاهی فراگیران طوری رشد یابد که آن‌ها دیگران و فرهنگشان را، رقیب و مخالف خود ندانند و مسائل جهانی را همچون مسائل شهر و دیار خود قلمداد کنند (فتحی واجارگاه؛ دیبا واجاری ۱۳۸۹). بر این اساس به نظر می‌رسد ساخت شکنی از جهانی شدن مستلزم این است که از سوی جهانی شدن را به غربی شدن^۶ کاهش ندهیم و از سوی دیگر با مرکز زدایی از آن توجه به عناصر فرهنگ بومی و محلی در برنامه‌های آموزشی و درسی ایده «بومی سازی و جهانی شدن» را پی‌گیری کنیم. برای پی‌گیری این ایده، ابتدا لازم است متخصصین و برنامه ریزان نظام آموزشی کشور، درباره عناصر فرهنگ ملی و مذهبی کشورمان آگاهی عمیقی داشته باشند (فتحی واجارگاه؛ دیبا واجاری ۱۳۸۹؛ هادزیک^۷، ۲۰۱۱). این آگاهی به آن‌ها کمک می‌کند از سویی شرایط بومی‌سازی عناصر فرهنگ جهانی و از سویی دیگر شرایط گسترش عناصر فرهنگ بومی به سطح جهانی را در سیستم آموزشی فراهم کنند. لازم به تأکید است مرکز زدایی از جهانی شدن نه به معنی رد آن بلکه به معنی توجه به غیبت بودن و دعوت آن به حضور است (کینگ هت، ۲۰۰۶). بر آن است فهم هر نشانه نیازمند جداسازی آن نشانه از سایر نشانه‌ها و تشخیص «تفاوت» بین آن‌هاست. از همین رو فهم «دیگری» نیز مستلزم تشخیص و احترام به تفاوت او با هرکس و هر چیز دیگر است. بدین ترتیب تعلیم و تربیتی که بر فهم تأکید دارد باید از هنجارها^۸، استانداردها و رویکردهای ثابت و انعطاف‌ناپذیر اجتناب و شرایط بازشناسی و احترام به آنچه متفاوت، نامتجانس و حتی غیر متعارف است را فراهم کند (آراسته، ۱۳۸۴). استلزام این موضوع در طراحی برنامه، نفی رویکردهای واحد و ثابت جهانی و توجه به موقعیت مخصوص تاریخی، اجتماعی، فیزیکی، جغرافیایی و فرهنگی است (رمضان احمد^۹، ۲۰۱۴). در همین راستا برای تهیه عنوان برنامه‌ها باید اهداف آموزشی و هم اهداف اخلاقی و اجتماعی هر

1. Compolitanist education

2. Conflict

3. Antagonism

4. Competition

5. Kerr

6. Westernization

7. Hudzik

8. Difference

9. Ramazan Ahmad

موقعیت و گروه مخصوصی را مدنظر قرار دهند برای دستیابی به اهداف آموزشی گروه‌های مختلف لازم است برنامه‌ها طوری طراحی شوند که دانش از سوی تک‌تک فراگیران ساخته و فهمیده شود (خسروانی نژاد^۱، ۲۰۱۴). برای دست‌یابی به اهداف اخلاقی و اجتماعی گروه‌های مختلف نیز می‌توان دو استلزام عمده در طراحی برنامه‌های آموزشی مطرح کرد: (زنگ یو^۲، ۲۰۱۰).

الف - طراحی بر طبق بوم‌شناسی^۳ نظام یادگیری صورت پذیرد. بوم‌شناسی نظام یادگیری یعنی، طراح معیارهای را در نظر گیرد که در تحلیل محیط یادگیری تأثیر عمیق و بسزای دارند، از جمله این معیارها می‌توان به نژاد، طبقه و جنسیت اشاره کرد که بر مبنای مطالب پیش گفته عدم توجه به آن‌ها، کمک به فرایند سلطه و سرکوب است. پس لازم است محتوای آموزش بر مبنای مطالعات فرهنگی، نظریه‌های برنامه‌ی درسی و ضمیمه تخصصی محتوای مورد نظر، تهیه شود. لازم به ذکر است مطالعات فرهنگی خود شامل طیف گسترده‌ای از رشته‌ها، روش‌ها، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها شامل جامعه‌شناسی تاریخ، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، فیمینیزم، مردم‌شناسی، روانکاوی و فلسفه می‌شود (دیوایت^۴، ۲۰۰۹).

ب- طراحی بر طبق مفهوم «کثرت‌گرایی^۵» و «تنوع فرهنگی^۶» صورت پذیرد. کثرت‌گرایی به این موضوع دلالت دارد که گروه‌های مختلف، با قبول تفاوت، تعدد مواضع و ناهمگنی گفتمان‌ها، به گفتگو با هم می‌پردازند و همین موضوع باعث نوعی رابطه انسانی و همبستگی اجتماعی و تفاهم می‌شود (باین لو و مادالین^۷، ۲۰۰۶). در طراحی بر مبنای «تنوع فرهنگی» نیز فرهنگ برتر و فراگیر جهانی، معنای خود را از دست می‌دهد و هیچ یک از فرهنگ‌ها در موضعی نخواهد بود که بتواند درباره دیگر فرهنگ‌ها قضاوت کرده و تکلیف آن‌ها را معین کند (چالدرز^۸، ۲۰۱۰). توجه به تنوع فرهنگی ایجاب می‌کند در طراحی برنامه‌های آموزشی و درسی در سطح کشور، به عناصر فرهنگی «خرده فرهنگ‌ها^۹» نیز توجه شود.

روی آوردن به بین‌المللی‌سازی در نظام آموزشی عالی ایران یک ضرورت است که شناخت سایر ملل و فرهنگ‌ها، شناخت نیاز جامعه جهانی و توان پاسخگویی به آن‌ها و تبدیل ایران به

^۱ . Khosravi Nejad

^۲ . Zhan Yu

^۳ . Ecology

^۴ . DeWit

^۵ . Pluralism

^۶ . Multi culturalism

^۷ . Bain Luu & Madeleine

^۸ . Chalderss

^۹ . Subcultures

قدرت علمی اول منطقه در راستای عملیاتی نمودن اهداف سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور از دلایل اصلی این ضرورت هستند (واجارگاه و خشنودی فر، ۱۳۹۰)، در همین راستا نتایج پیمایشی انجمن دانشگاه‌ها و کالج‌های کانادا منطقی‌ترین دلیل بین‌المللی سازی را آماده سازی فارغ‌التحصیلانی می‌داند که از نظر بین‌المللی مطلع، دانا و فهمیده و از نظر روابط میان فرهنگی نیز شایسته باشند. هدف این پژوهش پرداختن به موانع و راهکارهای حرکت به سمت بین‌المللی سازی آموزش عالی در حوزه فنی و حرفه ای است.

استادزاده (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان روابط علمی بین دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور، بیان می‌کند که دستیابی به دانش و فناوری پیشرفته برای برقراری ارتباط بین‌المللی میان کشورها در زمینه‌های مختلف آموزشی، پژوهشی و فناوری از مهم‌ترین ابزار توسعه است و جهان قرن بیست و یکم از آن کسی خواهد بود که به علم و فناوری پیشرفته دست یافته باشد. لذا بایسته است که به مسائل اساسی توسعه و پیشرفت از جمله برنامه ریزی، تقویت و گسترش همکاری‌های علمی و فناوری توجه بیشتری نموده و از شیوه‌های اجرایی کارآمد و معقولی برای پیشبرد آن‌ها از جمله همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه آموزش عالی، ایجاد شبکه‌های پژوهش در سطوح میان دولتی و غیر دولتی، همکاری در رشته‌های تخصصی با کشورهای صاحب علم و فن، حمایت از مطالعات و تحقیقاتی که امکان درک و تحلیل دگرگونی‌های پرشتاب علمی و فناوری را فراهم می‌کند.

حکیم‌زاده (۱۳۸۹) در مطالعه ای با عنوان جهانی شدن، بین‌المللی شدن آموزش عالی و برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای انجام شده است. نتیجه‌های به دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که کارآمدی برنامه‌های درسی با تکیه بر موضوعات مجزا در معرض نقدی جدی قرار دارد؛ و یکی از مهم‌ترین پدیده‌هایی که باعث وجود این چالش‌هاست، روند بین‌المللی شدن می‌باشد. تحقیق دیگر درباره‌ی روند بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی می‌باشد. که با عنوان روند بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی با رویکرد آموزش از دور در آموزش عالی ایران، توسط فتحی واجارگاه و دیگران (۱۳۹۰) صورت گرفته است. این مطالعه با هدف بررسی روند و ابعاد بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی، در آموزش عالی ایران، ضمن بررسی دلایل ضرورت این امر، به شناسایی عوامل، شرایط، منابع، امکانات، تنگناها، فرصت‌ها و راهبردهای مناسب برای آن پرداخته است.

پژوهش دیگر توسط علی قاسم‌پور و دیگران (۱۳۹۰)، با عنوان تحلیلی بر بومی‌سازی و بین‌المللی شدن برنامه درسی دانشگاه‌ها در عصر جهانی شدن صورت گرفته است. نتایج این

تحقیق نشان می‌دهد به منظور مقاومت در برابر اثرات پدیده جهانی شدن در جغرافیای علمی و فرهنگی جهان، چاره‌ای جز جهانی عمل کردن نداریم و اگر این مهم دارای الزاماتی باشد، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارکان آن، بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و نظام فکری، معرفتی و مراودات علمی- فرهنگی است.

پژوهش‌های مک کلین^۱ در سال ۱۹۹۸ در دانشگاه بریتیش کلمبیا^۲ نشاندهنده این امر است که اولویت نهادها در سرمایه گذاری برای بین‌المللی سازی، میزان توسعه آن‌ها را تعیین خواهد کرد. نتایج پیمایشی انجمن بین‌المللی دانشگاه‌ها در سال ۲۰۰۳ نیز بیانگر یافته‌های مک کلین می‌باشند. در همین راستا، راهکارهای چون افزایش بودجه‌ی آموزشی و پژوهشی کشورهای، افزایش جذب دانشجویان خارجی توسط دانشگاه‌های کشورهای مختلف برای تولید و درآمد بیشتر، افزایش تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها برای کاهش بار کاری اساتید کنونی و تبادل دو سویه به منظور کاهش بار مالی موسسه، پیشنهاد شده است.

مطالعات رامی^۳ و دیگران (۲۰۰۷) در مورد بین‌المللی شدن در آموزش عالی نشانگر آنست که برنامه‌ی درسی بین‌المللی باید بخشی عمده از دانشجویان که در سراسر سال‌های تحصیلی‌شان به خارج از کشور نرفته‌اند را درگیر سازد و دانش و تجربه‌ی میان فرهنگی و بین‌المللی در درون هسته‌ی برنامه‌های درسی ساخت یابند تا تمام دانشجویان بتوانند از آن بهره‌مند شوند و اندیشه بین‌المللی سازی در خانه محقق گردد. همچنین بر اساس مطالعه بوند اساتیدی که به چند زبان صحبت می‌کنند و آن‌هایی که در یک کشور دیگر یا فرهنگ دیگر زندگی یا مطالعه کرده‌اند، برای درگیر نمودن دانش و تجربه پیشین دانشجویان در کلاس بیشتر تلاش می‌کنند.

نتایج مطالعات اسکوترهولز^۴ در سال ۲۰۰۷ نشان می‌دهد که در راستای رشد و توسعه حرفه‌ای و حساسیت میان فرهنگی اساتید، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مرتبط، فرصت‌های مطالعاتی، تعامل با اساتیدی از سایر فرهنگ‌ها و انجام امور تدریسی و پژوهشی مشترک با آن‌ها می‌تواند در توسعه‌ی دانش، تجربه و نگرش بین‌المللی اساتید می‌تواند نقش بسزا داشته باشد. کا هو موک^۵ (۲۰۰۷) طی پژوهشی با عنوان بین‌المللی کردن دانشگاه‌ها در آسیا مهم‌ترین عوامل بین‌المللی شدن را چنین بیان می‌کند: رشد و توسعه دانش ملی و بومی به کمک دانش کشورهای دیگر، اعتبار بخشی به تحصیلات عالی بین‌المللی، بهسازی و توسعه نظام آموزشی و

^۱ Mckellin

^۲ British columbia

^۳ . Rami

^۴ . Chiang

^۵ . Ka Ho Mok

بهبود کیفیت منابع انسانی، کسب توانایی برای رقابت در جوامع دانش محور، کسب مهارت‌های لازم برای رویارویی با چالش‌های اقتصادی جهان، کشف راه‌های جدید برای حل مسائل، افزایش خود آگاهی و کسب تجربیات جدید از جوامع مختلف، ایجاد همکاری و تعامل بین‌المللی و کسب مهارت‌های زبانی در محیط واقعی و ایجاد چشم انداز مناسب شغلی در آینده.

نتایج تحقیقات چاینگ^۱ (۲۰۰۸) بیانگر آنند که آموزش عالی بین‌المللی باید بتواند چاره‌ای ایده‌آل برای پشتیبانی بهتر نیازهای گوناگون یادگیری دانشجویان بین‌المللی باشد. در این راستا، حرکت به سوی رویکرد تبدیل شونده که آگاهی انتقادی نسبت به ارزش‌های مرتبط با رویکردهای آموزشی و برنامه‌های درسی را ارتقا می‌دهد، روش‌های گوناگون دانستن و موجودیت را مورد ارج و احترام قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهشی فیلد و فیگن^۲ در سال ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که ساختار اقتصادی کشورها نیز فعالیت آموزش عالی در عرصه‌های بین‌المللی را متأثر می‌سازد؛ اقتصاد آزاد، بین‌المللی شدن تجارت و بازارها موجب میل آموزش عالی به سوی بین‌المللی شدن می‌گردد و این‌گونه بنظر می‌رسد که ظهور و توسعه آموزش عالی خصوصی، به شدت با توسعه‌ی آموزش عالی میان مرزی در ارتباط است.

پاتریسیا دیوی و استفن داف^۳ (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «منطق قبل از تعصب: نگرش اعضای هیأت علمی در مورد بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزش عالی» که در مجله آموزش عالی چاپ شده به بررسی موانع بین‌المللی شدن مؤسسات آموزش عالی می‌پردازند و در آن موانع زیر را اشاره می‌کنند: فرهنگی، ساختاری و مدیریتی، موانع انسانی، موانع زیر ساختی و زیربنایی. ساندerson گوین^۴ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان «میانی بین‌المللی شدن مراکز آکادمیک» که در مجله مطالعات بین‌المللی آموزش عالی چاپ شده به بررسی موانع راه بین‌المللی شدن مراکز دانشگاهی پرداخته و موانع زیر را بر می‌شمارد: موانع برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، موانع انسانی و فردی، موانع امکاناتی و زیرساختی و موانع اقتصادی. او همچنین عوامل سیاستگذاری، رابطه محور، ساختاری، خدمت محور را به عنوان راهکارهای اثربخش در بین‌المللی سازی در آموزش عالی بر شمرده اند.

1. Williams

2. Field & Fegan

3. Dewey & Stephen

4. Sanderson, Gavin

میشایل استو،^۱ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «ما دشمن را شناختیم و او خود ماست: نقش دانشگاه‌ها در بین‌المللی کردن آموزش عالی در دهه پیش‌رو» که در مجله مطالعات بین‌المللی آموزش چاپ شده به بررسی نقش دانشگاه‌ها و موانع پیش‌روی بین‌المللی شدن آموزش عالی در دانشگاه‌ها می‌پردازد. او در این مقاله موانع زیر را مطرح می‌سازد: موانع ساختاری، موانع مدیریتی (سیاسی و علمی)، برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، موانع فردی و گروهی. لیس چالدرز،^۲ (۲۰۱۰) در کتابی با عنوان «دانشگاه‌های قرن ۲۱: روند در حال توسعه مشارکت اعضای هیأت علمی در بین‌المللی شدن آموزش عالی» به بررسی ویژگی‌های دانشگاه‌های بین‌المللی و برنامه‌های درسی بین‌المللی شده می‌پردازد و موانعی را که سر راه این امر است این‌چنین برمی‌شمارد: موانع ذهنی، موانع فرهنگی، موانع سیاسی، موانع ساختاری و اداری و موانع تکنولوژیکی. با توجه به این مطلب، مبانی نظری پژوهش مبتنی بر این مجموعه تحقیقات است و سعی می‌شود تا با استفاده از این مبانی نظری به سنجش میزان تأثیر و نقش هرکدام از موانع ذکر شده در بین‌المللی شدن برنامه‌های درسی حوزه فنی مهندسی بپردازیم. لذا موانع برشمرده شده در این پژوهش منتج از نتایج تحقیقات چهارگانه ذکر شده در بالاست.

روش شناسی

روش پژوهش در این تحقیق از نوع توصیفی است. جامعه آماری پژوهش شامل اعضای هیأت علمی گروه‌های دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه‌های شهر سمنان (اعم از دانشگاه کردستان، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد) هستند که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ مشغول به تدریس و آموزش بودند. از آنجا که تعداد اعضای هیأت علمی مذکور ۸۵ نفر بود و بنا بر محدود بودن جامعه آماری از روش سرشماری استفاده شد که در این میان تعداد ۷۰ پرسشنامه رجعت داده شد. ابزار جمع آوری داده‌ها شامل یک پرسشنامه محقق ساخته بر مبنای طیف لیکرت و بر اساس مؤلفه‌های اصلی پژوهش، یعنی موانع احتمالی (محتوایی، ساختاری و مدیریتی، فرهنگی، انسانی و تجهیزاتی) و راهکارهای بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزشی، بود. برای سنجش روایی پرسشنامه از اعتبار محتوایی (صوری) و بنا بر نظر اعضای گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان، استفاده شد. و برای ارزیابی پایایی، قبل از اجرای نهایی، از روش آلفای کرونباخ استفاده که میزان پایایی بعد از محاسبه از طریق نرم افزار SPSS، ۰/۸۶۴ حاصل

¹. Stohl, Michael

². Lis Childress

گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های t تک نمونه‌ای، t مستقل و تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا یافته‌های مربوط به موانع و به دنبال آن یافته‌های مربوط به راهکارها ارائه شده است. نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها در بخش اول پژوهش- موانع بین‌المللی شدن- حول محورهای پنجگانه (موانع: فرهنگی، روش تدریس و محتوا، انسانی، ساختاری، تجهیزاتی) به شرح زیر است.

سؤال اول: موانع فرهنگی بین‌المللی کردن برنامه‌های آموزشی در آموزش عالی کدامند؟

جدول ۱: مولفه‌های مربوط به موانع فرهنگی بین‌المللی کردن برنامه‌های آموزشی

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۱. ندادن اختیارات لازم به گروه‌های آموزشی در زمینه تبادلات دانشجویی با سایر کشورها	۷۰	۳/۵۶	۰/۸۴۲	۹/۱۳	۶۹	۰/۰۰
۲. نامناسب بودن برنامه‌های درسی در افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به توسعه و نشر ارزش‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی	۷۰	۳/۵۵	۰/۸۷۲	۸/۴۵	۶۹	۰/۰۰
۳. برگزار نشدن سخنرانی‌های بین‌المللی به منظور رشد و توسعه دانشجویان به عنوان شهروندان جهانی و تأکید بر چشم‌اندازهای بین‌المللی	۷۰	۳/۵۴	۰/۸۶۱	۹/۱۹	۶۹	۰/۰۱
۴. عدم توجه گروه آموزشی در ایجاد زمینه فرهنگی مناسب برای بین‌المللی‌کردن برنامه‌ها	۷۰	۳/۵۷	۰/۹۰۷	۸/۸۳	۶۹	۰/۰۰
۵. برگزار نشدن نمایشگاه در دانشکده برای معرفی و بررسی سایر فرهنگ‌ها	۷۰	۵/۳۲	۰/۹۱۲	۹/۰۹	۶۹	۰/۰۳
۶. بسته بودن درهای آموزش عالی به سوی ایده‌ها و افکار جدید بین‌المللی	۷۰	۳/۶۲	۰/۸۷۵	۹/۱۲	۶۹	۰/۰۰

به منظور بررسی موانع فرهنگی بین‌المللی سازی برنامه‌های آموزشی و تشخیص معنادار بودن آن برای مولفه‌های مرتبط آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. از مولفه مطرح شده برای این پرسش پژوهشی تمام مولفه‌ها سطح معناداری پایین تر از ۰/۰۵ دارند و فرض

صفر هیچ مولفه ای پذیرفته نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که تمام مولفه‌ها مطرح شده از نظر اعضای هیئت علمی جزء موانع بین‌المللی سازی برنامه‌ها در آموزش عالی محسوب می‌شوند.

سؤال دوم: موانع مربوط به بخش آموزش (اجرا) در بین‌المللی کردن برنامه‌ها کدامند؟

جدول ۲: مولفه‌های مربوط به بخش آموزش (اجرا) در بین‌المللی کردن برنامه‌ها

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۱. نبود آموزش مشارکتی با سایر کشورها	۷۰	۳/۱۱	۰/۸۷۰	۹/۰۱	۶۹	۰/۰۱
۲. نبود آموزش به صورت آنلاین	۷۰	۳/۷۱	۰/۸۲۲	۸/۲۳	۶۹	۰/۰۰
۳. نبودن آموزش از راه دور	۷۰	۳/۵۵	۰/۹۴۱	۹/۱۲	۶۹	۰/۰۰
۴. برگزار نشدن سمینارهای الکترونیکی	۷۰	۳/۰۲	۰/۸۱۰	۸/۴۱	۶۹	۰/۳۴

به منظور بررسی موانع مربوط به بخش آموزش (اجرا) در بین‌المللی کردن برنامه‌ها و تشخیص معنادار بودن آن برای مولفه‌های مرتبط آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. از ۴ مولفه مطرح شده برای این پرسش تمام مولفه‌ها جز مولفه شماره ۱۰ (برگزار نشدن سمینارهای الکترونیکی) در سطح معناداری $\alpha=0/05$ از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین، می‌توان گفت که مولفه‌های ۹، ۸ و ۷ از نظر اعضای هیئت علمی جزء موانع بین‌المللی سازی در آموزش عالی محسوب می‌شوند.

سؤال سوم: موانع محتوایی (برنامه‌های درسی) بین‌المللی کردن آموزش کدامند؟

جدول ۳: موانع محتوایی (برنامه‌های درسی) بین‌المللی کردن آموزش

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۱. عدم توجه به ارائه محتوا به صورت آنلاین	۷۰	۳/۰۶	۰/۸۵۹	۹/۰۹	۶۹	۰/۰۰
۲. به روز نبودن محتوای دروس با تحولات جهانی	۷۰	۳/۴۴	۰/۹۳۳	۹/۰۳	۶۹	۰/۰۰
۳. عدم توجه به مسائل جهانی (محیط زیست، صلح، مبارزه با فقر و بیکاری) از طریق استفاده از رویکرد تلفیقی بین رشته‌ای در سازماندهی محتوا	۷۰	۳/۱۷	۰/۹۴۱	۹/۱۴	۶۹	۰/۰۳
۴. عدم توجه به رشته جدید	۷۰	۲/۷۶	۰/۸۷۸	۸/۶۱	۶۹	۰/۴۴

به منظور بررسی موانع محتوایی (برنامه های درسی) بین‌المللی کردن آموزش و تشخیص معنادار بودن آن برای مولفه ها مرتبط آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. از مجموع مولفه های مطرح شده برای این پرسش تمام مولفه ها بجز مولفه شماره ۱۴ با مقدار ۲/۶۷ در سطح معنادار $\alpha=0/05$ از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین، می‌توان گفت که مولفه های دیگر از نظر اعضای هیئت علمی جزء موانع بین‌المللی سازی در آموزش عالی محسوب می‌شوند.

سؤال چهارم: موانع انسانی بین‌المللی کردن آموزش عالی کدامند؟

جدول ۴: موانع انسانی بین‌المللی کردن آموزش عالی

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۱. حضور نداشتن دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های خارج از کشور برای گذراندن دوره‌های کوتاه کارآموزی	۷۰	۳/۱۱	۰/۹۲۱	۹/۲۱	۶۹	۰/۰۱
۲. شرکت نداشتن دانشجویان در پروژه‌های تحقیقاتی بین‌المللی	۷۰	۳/۲۱	۰/۸۳۳	۸/۶۶	۶۹	۰/۰۰
۳. عضو نبودن دانشجویان در مجامع و انجمن‌های بین‌المللی	۷۰	۳/۹۸	۰/۸۵۴	۹/۶۸	۶۹	۰/۰۰
۴. در دسترس نبودن فرصت‌های لازم برای استادان	۷۰	۳/۲۰	۰/۸۱۵	۸/۹۰	۶۹	۰/۰۲
۵. تدریس دروس خارج از تخصص اعضای هیئت علمی	۷۰	۳/۰۱	۰/۸۷۱	۸/۰۱	۶۹	۰/۰۱
۶. تسلط نداشتن به زبان‌های خارجی	۷۰	۳/۵۶	۰/۸۹۳	۸/۷۳	۶۹	۰/۰۰
۷. عدم استفاده از بررسی‌های کارشناسی و پژوهشی در خصوص بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی	۷۰	۳/۴۵	۰/۸۴۶	۹/۰۹	۶۹	۰/۰۰
۸. بازنگشتن افراد بورسیه به داخل کشور	۷۰	۳/۱۷	۰/۹۱۰	۹/۴۱	۶۹	۰/۰۲
۹. دعوت نکردن از استادان و متخصصان خارجی و حضور آنها در دانشگاه‌ها برای ارائه آموزش‌های کوتاه مدت و بلند مدت به دانشجویان داخلی	۷۰	۳/۲۴	۰/۹۰۲	۸/۸۱	۶۹	۰/۰۱

به منظور بررسی موانع انسانی بین‌المللی کردن آموزش عالی و تشخیص معنادار بودن آن برای مولفه‌های مرتبط آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. از ۹ مولفه مطرح شده برای این پرسش پژوهشی تمام مولفه‌ها میانگینی بالاتر از ۳/۰۰ دارند و فرض صفر در مورد هیچ کدام از مولفه‌ها (۱۵-۲۳) پذیرفته نمی‌شود.

سؤال پنجم: موانع تجهیزاتی (زیرساخت و امکانات) بین‌المللی کردن در آموزش عالی کدامند؟
جدول ۵: مولفه‌های مربوط به موانع تجهیزاتی (زیرساخت و امکانات) بین‌المللی کردن

برنامه‌های آموزشی

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۲۴. نبود امکانات سخت افزاری مناسب در عرصه اینترنت و فناوری	۷۰	۳/۷۷	۰/۸۸۸	۸/۰۱	۶۹	۰/۰۳
۲۵. توجه نامناسب به استفاده از شبکه‌های الکترونیکی نظیر گروه‌های چت با دانشجویان و استادان سایر کشورها	۷۰	۳/۰۷	۰/۸۰۹	۸/۶۵	۶۹	۰/۰۰
۲۶. توجه نامناسب به استفاده از فناوری‌های جدید نظیر پست الکترونیکی و وب سایت	۷۰	۳/۱۶	۰/۹۰۷	۹/۱۱	۶۹	۰/۰۰
۲۷. توجه نامناسب به استفاده از سالن‌های مباحثه اینترنتی به صورت آنلاین	۷۰	۳/۰۲	۰/۹۱۰	۸/۵۷	۶۹	۰/۰۲

به منظور بررسی موانع تجهیزاتی بین‌المللی سازی برنامه‌ها و تشخیص معنادار بودن آن برای مولفه‌های مرتبط آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. از مجموع مولفه مطرح شده برای این پرسشنامه تمام مولفه‌ها میانگینی بالاتر از ۳/۰۰ دارند و فرض صفر هیچ یک از مولفه‌های جدول ۵ پذیرفته نمی‌شود.

سؤال ششم: موانع ساختاری بین‌المللی کردن در آموزش عالی کدامند؟

جدول ۶: مولفه‌های مربوط به موانع ساختاری بین‌المللی کردن برنامه‌های آموزشی

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
۱- هیئت امنای دانشگاه	۷۰	۳/۵۶	۰/۸۳۲	۹/۰۳	۶۹	۰/۰۰
۲- شورای پژوهشی دانشگاه	۷۰	۳/۵۲	۰/۸۷۲	۹/۲۱	۶۹	۰/۰۰
۳- هیئت ممیزه دانشگاه	۷۰	۳/۶۴	۰/۸۴۱	۸/۹۳	۶۹	۰/۰۱
۴- شورای آموزشی دانشگاه	۷۰	۳/۶۷	۰/۹۰۷	۹/۰۳	۶۹	۰/۰۰
۵- رئیس دانشکده	۷۰	۵/۳۵	۰/۸۶۱	۹/۶۳	۶۹	۰/۰۳
۶- شورای گروه آموزشی	۷۰	۳/۶۲	۰/۸۷۵	۹/۱۳	۶۹	۰/۰۰

به منظور بررسی موانع ساختاری بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی و تشخیص معنادار بودن آن برای مولفه‌های مرتبط آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. از ۶ مولفه مطرح شده برای این پرسش مولفه‌های هیئت امنای دانشگاه (با مقدار ۰/۸۳۲)، هیئت ممیزه دانشگاه (با مقدار ۰/۸۴۱) و مولفه رئیس دانشکده (با مقدار ۰/۸۶۱) در سطح معناداری $\alpha = ۰/۰۵$ از نظر آماری معنادار نیست. اگرچه میانگین به دست آمده بالاتر از میانگین مقایسه است، ولی این تفاوت میانگین معنادار نیست و در سایر مولفه‌ها میانگین به دست آمده بالاتر از ۳/۰۰ است و فرض صفر هیچ مولفه‌ای پذیرفته نمی‌شود.

جدول ۷: آزمون تی گروه‌های مستقل در خصوص موانع بین‌المللی (به تفکیک جنسیت)

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
موانع بین‌المللی کردن	۱۵	۱۷۶/۸۸	۲۲/۰۸	۰/۳۷۶	۶۸	۰/۸۰۳
زن	۵۵	۱۶۲/۴۲	۲۵/۲۲			
مرد						

بر طبق داده‌های جدول ۷، $t = ۰/۳۷۶$ در سطح معناداری $\alpha = ۰/۰۵$ معنادار نیست. لذا، می‌توان گفت که بین نظرهای اعضای هیئت علمی به تفکیک جنسیت آنها در خصوص موانع بین‌المللی کردن برنامه‌های آموزشی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۸: نتایج تحلیل واریانس یک راهه در خصوص تفاوت بین نظریات اعضای هیئت علمی به تفکیک گروه آموزشی

شاخص	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	f	سطح معناداری
بین گروهی	۴۴۶۵/۱۳۴	۳	۱۴۴۵/۱۱۲۱	۲/۵۴	۰/۰۴۲
درون گروهی	۹۳۳۱۱/۷۶۱	۶۸	۶۵۱/۲۳۱		
جمع کل	۹۷۳۲۱/۰۵۴	۷۱			

تفاوت معنادار بین نظریات اعضای هیئت علمی در خصوص موانع بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی به تفکیک گروه آموزشی: بر طبق داده‌های جدول ۸، چون مقدار $F=۲/۵۴$ در سطح معناداری $a=۰/۰۵$ معنادار است، لذا، فرض صفر رد می‌شود؛ به عبارت دیگر، بین نظریات اعضای هیئت علمی به تفکیک گروه آموزشی آنها در خصوص موانع بین‌المللی کردن برنامه‌ها تفاوت وجود دارد.

یافته‌های بخش دوم پژوهش

در این قسمت یافته‌های مربوط به راهکارهای بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزشی و درسی از نظر اعضای هیات علمی در چهار گروه راهکارهای (سیاستگذاری، رابطه محور، ساختاری، خدمت محور)^۱ ارائه می‌گردد.

سوال هفتم: راهکارهای (سیاستگذاری، رابطه محور، ساختاری، خدمت محور) دارای چه مولفه‌هایی هستند و به چه میزان در پیشبرد برنامه‌ها به سمت بین‌المللی شدن نقش دارند؟ نتایج تحلیل داده‌ها در این بخش از پژوهش، بیانگر آن است که در راهبرد سیاستگذاری، مولفه مربوط به گسترش سیاست‌های اعطای استقلال به دانشگاه‌ها (۳/۸۰)؛ در راهبرد رابطه محور، مولفه مربوط به تبادل اطلاعات با دانشگاه‌های کشورهای دیگر درباره بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها (۳/۷۹)؛ در راهبرد ساختاری، مولفه مربوط به فراهم سازی فرصت‌های تحقیقاتی با ابعاد بین‌المللی در دانشگاه‌ها (۳/۸۸) و در راهبرد خدمت محور، مولفه مربوط به اعطای کمک

^۱ - برای پی‌بردن به چگونگی دسته‌بندی راهکارهای بین‌المللی کردن آموزش عالی به بخش سوم این مقاله (چارچوب نظری پژوهش) مراجعه فرمایید.

هزینه تحصیلی به دانشجویان و اساتید در انجام فعالیت های علمی بین المللی (۳/۷۲) بالاترین نمره ها را از دیدگاه اعضای هیات علمی به خود اختصاص دادند (جدول ۹).
همچنین بر اساس نتایج تحلیل داده ها، تفاوت اعضای هیات علمی با مرتبه های دانشگاهی مختلف در مورد تاثیر راهبرد سیاسی بر بین المللی شدن دانشگاه ها معنی دار نبود در حالی که این تفاوت برای راهبردهای ارتباطی، خدماتی و دانشگاهی معنی دار بود (جدول ۱۰).

جدول ۹: راهبردها و مولفه‌های بین‌المللی‌سازی برنامه‌های آموزشی فنی - مهندسی

آزمون t	SD	میانگین (M)	مولفه ها	راهبردها
۱۰/۳۴	۰/۹۰	۳/۷۲	هماهنگی بین ارزش های فرهنگی و سیاسی کشور و سیاست بین المللی شدن دانشگاه ها	سیاستگذاری
۱۰/۰۹	۰/۸۸	۳/۷۰	داشتن روابط سیاسی و دیپلماتیک مطلوب با کشورهای زیاد	
۱۰/۲۱	۰/۸۷	۳/۸۰	تدوین سیاست ایی برای حمایت از بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها	
۱۰/۳۰	۰/۸۱	۳/۸۸	تلاش در جهت ایجاد فضای چندفرهنگی در دانشگاه ها	
۹/۹۰	۰/۸۰	۳/۸۱	گسترش همکاری علمی با کشورهای دیگر	
۱۰/۴۰	۰/۹۲	۳/۶۸	گسترش توافق نامه های تحقیقی بین المللی	
۱۰/۱۲	۰/۷۰	۳/۹۸	گسترش سیاست های اعطای استقلال به دانشگاه ها	
۶/۰۹	۰/۸۸	۳/۶۵	نگرش بین المللی در زمینه‌های ارتباطی برای مثال وب سایت دانشگاه، تبلیغات، بروشورها و غیره	رابطه محور
۹/۰۹	۰/۸۸	۳/۷۹	تبادل اطلاعات با دانشگاه‌های کشورهای دیگر درباره بین المللی شدن دانشگاه‌ها	
۱۰/۸۸	۰/۸۷	۳/۳۳	استقبال از پیشنهادهای متخصصان و اعضای هیات علمی برای بین المللی شدن دانشگاه	
۱۱/۲۰	۰/۹۱	۲/۹۷	تبلیغ در مجلات بین المللی درباره دانشگاه های کشور	
۱۱/۲۱	۰/۸۷	۳/۷۲	فراهم سازی شرایط برای گفتگو و مباحثه اعضای هیات علمی درباره بین المللی شدن دانشگاه ها	
۱۰/۳۳	۰/۹۱	۳/۷۰	برقراری ارتباط با انجمن های آموزش عالی در زمینه بین المللی شدن دانشگاه ها	
۱۰/۷۰	۰/۸۲	۳/۶۶	ارتباط مستمر با دولت در مورد بین المللی شدن دانشگاه ها	
۱۰/۳۱	۰/۸۸	۳/۶۹	استقبال از ایده‌های جدید بین‌المللی در زمینه آموزش عالی	

ادامه‌ی جدول ۹: راهبردها و مولفه‌های بین‌المللی‌سازی برنامه‌های آموزشی فنی - مهندسی

آزمون t	SD	میانگین (M)	مولفه‌ها	راهبردها	
۹/۲۱	۰/۸۷	۳/۷۷	بین‌المللی کردن برنامه‌های درسی، تدریس و پژوهش دانشگاهی	ساختاری	
۱۰/۱۱	۰/۹۰	۳/۷۶	آموزش چندفرهنگی در دانشگاه		
۱۰/۱۷	۰/۷۸	۳/۳۰	آموزش به زبان‌های علمی دنیا به خصوص زبان انگلیسی		
۱۰/۰۸	۰/۷۹	۳/۷۲	آموزش به صورت آنلاین و مجازی		
۱۰/۰۲	۰/۸۹	۳/۷۰	تجهیز دانشگاه به وسایل آزمایشگاهی به روزشده		
۱۰/۳۱	۰/۷۵	۳/۸۸	فراهم سازی فرصت‌های تحقیقاتی با ابعاد بین‌المللی در دانشگاه‌ها		
۱۰/۲۲	۰/۸۶	۳/۶۰	برگزاری کنفرانس‌ها و کارگاه‌های بین‌المللی در دانشگاه‌ها		
۱۰/۱۵	۰/۷۲	۳/۷۸	توجه به بین‌المللی شدن آموزش عالی به عنوان یک اولویت		
۱۰/۱۷	۰/۸۸	۳/۷۱	اجتناب از تبعیض بین دانشجویان داخلی و خارجی		
۹/۳۴	۰/۷۹	۳/۶۵	انتشار آثار علمی در زمینه بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها		
۹/۷۱	۰/۸۱	۳/۵۶	وجود نشریات و مجلات بین‌المللی در دانشگاه‌ها		
۹/۲۸	۰/۷۶	۲/۹۸	کمک به دانشجویان خارجی برای سازگاری با فرهنگ کشور		خدمت محور
۹/۹۹	۰/۸۸	۳/۱۵	افزایش بودجه دانشگاهها در راستای بین‌المللی شدن آنها		
۹/۳۱	۰/۸۴	۳/۱۰	خدمات حمایتی به دانشجویان بین‌المللی نظیر مشاوره تحصیلی و غیره		
۱۰/۱۳	۰/۸۹	۳/۷۲	اعطای کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان و اساتید در انجام فعالیت‌های علمی بین‌المللی		
۱۰/۳۳	۰/۷۰	۳/۵۴	افزایش حمایت مالی از فرصت‌های مطالعاتی اساتید و دانشجویان		
۱۰/۱۴	۰/۹۸	۳/۶۷	حمایت و پشتیبانی از کارگزاران بین‌المللی شدن آموزش عالی		

در راهبردهای سیاست‌گذاری، گویند " گسترش سیاست‌های اعطای استقلال به دانشگاه‌ها " تاثیرگذارترین مورد بود و پس از آن مهم‌ترین گویندها " تلاش در جهت ایجاد فضای چندفرهنگی در دانشگاه‌ها، گسترش همکاری علمی با کشورهای دیگر، تدوین سیاست‌هایی برای حمایت از بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، هماهنگی بین ارزش‌های فرهنگی و سیاسی کشور و سیاست بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، داشتن روابط سیاسی و دیپلماتیک مطلوب با کشورهای زیاد، گسترش توافق‌نامه‌های تحقیقی بین‌المللی " بودند.

در راهبرد ارتباطات گویه " تبادل اطلاعات با دانشگاه های کشورهای دیگر درباره بین المللی شدن دانشگاه ها " تاثیرگذارترین مورد بود و پس از آن مهم‌ترین گویه‌ها " فراهم سازی شرایط برای گفتگو و مباحثه اعضای هیات علمی درباره بین المللی شدن دانشگاه ها، برقراری ارتباط با انجمن های آموزش عالی در زمینه بین المللی شدن دانشگاه ها، استقبال از ایده‌های جدید بین المللی در زمینه آموزش عالی، ارتباط مستمر با دولت در مورد بین المللی شدن دانشگاه ها، نگرش بین المللی در زمینه های ارتباطی برای مثال وب سایت دانشگاه، تبلیغات، بروشورها و غیره، استقبال از پیشنهادهای متخصصان و اعضای هیات علمی برای بین المللی شدن دانشگاه و تبلیغ در مجلات بین المللی درباره دانشگاه های کشور " بودند.

در راهبردهای ساختاری مولفه " فراهم سازی فرصت های تحقیقاتی با ابعاد بین المللی در دانشگاه ها " تاثیرگذارترین مورد بود و پس از آن مهم‌ترین گویه‌ها " توجه به بین المللی شدن آموزش عالی به عنوان یک اولویت، بین المللی کردن برنامه های درسی، تدریس و پژوهش دانشگاهی، آموزش چندفرهنگی در دانشگاه، آموزش به صورت آنلاین و مجازی، اجتناب از تبعیض بین دانشجویان داخلی و خارجی، تجهیز دانشگاه به وسایل آزمایشگاهی به روز شده، انتشار آثار علمی در زمینه بین المللی شدن دانشگاه ها، وجود نشریات و مجلات بین المللی در دانشگاه ها و آموزش به زبان های علمی دنیا به خصوص زبان انگلیسی " بودند.

در راهبردهای خدمات محور، گویه " اعطای کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان و اساتید در انجام فعالیت های علمی بین المللی " تاثیرگذارترین مورد بود و پس از آن مهم‌ترین گویه‌ها " حمایت و پشتیبانی از کارگزاران بین المللی شدن آموزش عالی، افزایش حمایت مالی از فرصت های مطالعاتی اساتید و دانشجویان، افزایش بودجه دانشگاهها در راستای بین المللی شدن آنها، خدمات حمایتی به دانشجویان بین المللی نظیر مشاوره تحصیلی و غیره و کمک به دانشجویان خارجی برای سازگاری با فرهنگ کشور " بودند.

جدول ۱۰: میانگین نمرات اعضای هیات علمی به تفکیک رتبه دانشگاهی (تحلیل واریانس)

یکطرفه مستقل)

میزان F	دانشیار	استادیار	مربی	رتبه علمی	
				راهبرد	
۱/۱۱	۳/۳۲	۳/۷۱	۳/۵۹	سیاستگذاری	
۳/۲۷	۳/۷۸	۳/۹۰	۳/۶۵	رابطه محور	
۴/۵۰	۳/۸۷	۳/۶۶	۳/۷۷	ساختاری	
۲/۷۱	۳/۷۸	۳/۵۹	۳/۵۰	خدمات محور	

بر طبق نتایج جدول (۱۰) تفاوت نظرات اعضای هیات علمی با مرتبه های دانشگاهی مختلف در مورد تاثیر راهبرد سیاسی بر بین المللی شدن دانشگاه هادر حوزه فنی-مهندسی معنی دار نبود در حالی که این تفاوت برای راهبردهای ارتباطی، خدماتی و دانشگاهی معنی دار بود. پس از انجام آزمون تعقیبی شفه، نتایج نشان داد که اساتید با درجه علمی دانشیار، راهبردهای رابطه محور، خدمت محور و ساختاری را نسبت به سایر اعضای هیات علمی در سطح بالاتری ارزیابی کردند.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه کنونی به منظور بررسی موانع و راهکارهای بین‌المللی شدن برنامه‌های درسی در آموزش عالی در حوزه فنی مهندسی انجام شد. در این راستا یک سری از موانع و راهکارها از مرور ادبیات تحقیق به دست آمد و محقق به بررسی اثرات آنها بر امر بین المللی سازی آموزش عالی پرداخت. اولین سوال این بود که موانع ساختاری و مدیریتی بین‌المللی شدن آموزش عالی در رشته های فنی و مهندسی کدامند؟ یافته‌های این سوال با نتایج حاصل از یافته‌های کوروش فتحی واجارگاه و همکاران (۱۳۸۸) و پژوهشی فیگن و فیلد^۱ (۲۰۰۹) و سینگ^۲ (۲۰۱۰) که آنها نیز عامل ساختاری را از جمله عوامل تأثیر گذار بر بین‌المللی شدن آموزش می دانند، همسو بود.

سوال دیگر پژوهش به بررسی موانع مربوط به امکانات و زیرساخت های لازم برای بین‌المللی شدن آموزش عالی در رشته‌های فنی مهندسی مربوط است. یافته‌های این سوال با نتایج حاصل از یافته‌های عیسی ابراهیم زاده (۱۳۹۰)، فتحی واجارگاه (۱۳۹۰) و ربکا^۳ (۲۰۰۹) همسو است. این پژوهشگران مواردی چون کاربرد محدود فناوری‌های نوین در آموزش و تدریس دانشگاهی، نبود زیرساختهای ارتباطی فناورانه، ضعف سیستم های امکاناتی و مالی را به عنوان موانع زیرساختی بین المللی شدن آموزش عالی ذکر کرده اند.

بخش دیگر تحقیق به بررسی موانع انسانی بین‌المللی شدن آموزش عالی پرداخته است. بر اساس یافته‌های مواردی چون عدم استفاده از بررسی‌های کارشناسی و پژوهشی در خصوص بین‌المللی کردن برنامه های آموزشی؛ تدریس دروس خارج از تخصص اعضای هیئت علمی که باعث ایجاد پدیده به‌روز نبودن اطلاعات و دانش آنان می‌گردد، بیشترین نقش مانعی را داشته

¹ . Field & Fegan

² . Singh

³ . Rebecca

است. یافته‌های این سوال با نتایج حاصل از تحقیق گوتنبرگ، آدلر و پول^۱ (۲۰۱۲) و سینگ^۲ (۲۰۱۰) و همچنین یافته‌های جکسون (۲۰۰۸) که فرم‌ها و راهکارهای بین‌المللی شدن آموزش عالی را شامل موارد ذیل می‌داند: تبادل اساتید و دانشجویان؛ تحصیل و اقامت در خارج؛ کارورزی یا یادگیری ضمن خدمت در یک کشور خارجی می‌داند، همخوانی دارد.

سوال دیگر پژوهش به بررسی موانع مربوط به برنامه درسی (محتوا، شیوه آموزش و ...) که مانع بین‌المللی شدن آموزش عالی است پرداخته است. در این زمینه نتایج نشان داد که مسائلی چون عدم توجه به مسائل جهانی (محیط زیست، صلح، مبارزه با فقر و بیکاریم‌هجور بودن استفاده از رویکرد تلفیقی بین‌رشته‌ای در سازماندهی محتوا؛ بیشترین اهمیت را دارا بود. یافته‌های این سوال با نتایج حاصل از پژوهش هایگ^۳ (۲۰۰۸)؛ اگرون پولاک^۴ (۲۰۱۱) و آدلر و پول^۵ (۲۰۱۲) همسو بوده است. همچنین یافته‌های بنیک، نیوبای و ساموئل^۶ (۱۹۹۶) انجام داده‌اند همسو می‌باشد آن‌ها طی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که موانع مربوط به محتوا و چگونگی روش تدریس یکی از مهمترین موانع بین‌المللی شدن برنامه‌های درسی می‌باشد، آن‌ها در این زمینه بیان می‌دارند که نداشتن محتوای مناسب برای عرضه در ابعاد بین‌المللی می‌تواند یکی از موانع بین‌المللی شدن باشد که خود آن ناشی از ضعف علمی و زبانی اساتید و کمبود نیروی انسانی متخصص و آگاه در این زمینه باشد.

هدف دیگر پژوهش بررسی تاثیر موانع فرهنگی بر بین‌المللی شدن برنامه‌های آموزش عالی بود.

بر اساس یافته‌های مواردی چون عدم توجه گروه آموزشی در ایجاد زمینه فرهنگی مناسب برای بین‌المللی کردن برنامه درسی؛ بیشترین اهمیت را داشت. یافته‌های این سوال با نتایج حاصل از یافته‌های مطالعات اسکوتر هولز^۷ (۲۰۰۷) که نشان می‌دهد در راستای رشد و توسعه حرفه‌ای و حساسیت میان فرهنگی اساتید، برگزاری کارگاه‌های آموزشی مرتبط، فرصت‌های مطالعاتی، تعامل با اساتیدی از سایر فرهنگ‌ها و انجام امور تدریسی و پژوهشی مشترک با آن‌ها می‌تواند در توسعه دانش، تجربه و نگرش بین‌المللی اساتید نقش بسزا داشته باشد. همچنین

1. Göthenberg, Adler & Pohl,

2. Singh

3. Haigh

4. Egron-Polak

5. Göthenberg, Adler & Pohl,

6. Benick, Newby & Samuel

7. Schuerholz

نتایج این بخش با یافته‌های پژوهش انجام شده توسط قاسم‌پور و دیگران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. همچنین نتایج حاصله با یافته‌های پژوهشی فیگن و فیلد^۱ (۲۰۰۹) نیز همسو می‌باشد. بخش دوم پژوهش به بررسی راهکارهای بین‌المللی سازی آموزش عالی می‌پردازد. همچنانکه در بخ چارچب نظری اشاره شد، پاتریسیا دیوی و استفن داف^۲ (۲۰۰۹)؛ ساندرسون گوین^۳ (۲۰۰۸) و میشایل استو^۴ (۲۰۰۷) راهکارهای مختلفی را برای حرکت به سمت بین‌المللی سازی پیشنهاد داده اند که خلاصه آنها را می‌توان در چهار راهبرد سیاستگذاری، رابطه محور، ساختاری، خدمت محور خلاصه کرد. پژوهشگر به بررسی اثرات هر کدام پرداخته است که برای جلوگیری از طولانی شدن بحث خواننده را به مطالعه یافته‌های جدول ۹ توصیه می‌نمایم. یافته‌های این بخش از مطالعه با نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش‌های مک کلین^۵ (۱۹۹۸) و همچنین چایلدرس^۶ (۲۰۰۹)؛ جارل^۷ (۲۰۱۰) و بال (۲۰۱۱) همسو می‌باشد.

-
1. Field & Fegan
 2. Dewey & Stephen
 3. Sanderson, Gavin
 4. Stohl, Michael
 5. Mckellin
 6. Childress
 7. Jarle

منابع

- آراسته، حمیدرضا. (۱۳۸۴). همکاری های بین‌المللی آموزش عالی در ایران و چگونگی بهبود آن، پورتال علوم انسانی.
- آراسته، حمیدرضا؛ سبحانی نژاد، مهدی و همایی، رضا. (۱۳۸۷). وضعیت دانشگاه‌های شهر تهران در عصر جهانی شدن از دیدگاه دانشجویان، پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۴۷، ۵۰، ۶۶.
- استاد زاده، زهرا. (۱۳۸۴). روابط علمی بین دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور. رهیافت، ۳۵، ۷۴-۸۲.
- حکیم زاده، رضوان. (۱۳۸۹). جهانی شدن، بین‌المللی شدن آموزش عالی و برنامه‌های درسی میان رشته‌ای. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۲، ۴، ۱۷-۱.
- خشنودی‌فر، مهرنوش و فتحی‌اجارگاه، کورش. (۱۳۹۰). بین‌المللی سازی برنامه‌های درسی با رویکرد آموزش از دور. نشریه علمی- پژوهشی فناوری آموزش. ۲۰، ۳۰-۲۱.
- دیبا و اجاری، طلعت. (۱۳۸۸). مفهوم پردازی بین‌المللی کردن برنامه درسی در آموزش عالی؛ ابعاد و روندها. مجله راهبردی آموزش. دوره ۲، ۷-۱۸.
- ضرغامی، سعید. (۱۳۸۷). ساخت شکنی جهانی شدن در برنامه درسی با نظر به اندیشه‌های دریدا. مجموعه مقالات هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران. جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها، ۳۹-۲۰.
- فتحی و اجارگاه، کورش؛ دیبا و اجاری، طلعت. (۱۳۸۹). مباحثی در مهندسی برنامه های درسی میان رشته ای در آموزش عالی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در آموزش عالی، دوره ۱، ۳.
- فتحی و اجارگاه، کورش؛ ابراهیم زاده، عیسی؛ فرج‌اللهی، مهرا و خشنودی فر، مهرنوش. (۱۳۹۰). روند بین‌المللی سازی برنامه های درسی با رویکرد آموزش از دور در آموزش عالی ایران. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، سال دوم، ۲ (پیاپی ۶)، ۱۰۷-۷۷.
- فتحی و اجارگاه، کورش. (۱۳۸۴). برنامه درسی، به سوی هویت های جدید، تهران: انتشارات مؤسسه پژوهشی برنامه ریزی درسی و نوآوری های آموزشی.
- قاسم پور دهاقانی، علی؛ لیاقت دار، محمد جواد و جعفری، سید ابراهیم. (۱۳۹۰). تحلیلی بر بومی سازی و بین‌المللی شدن برنامه درسی دانشگاه‌ها در عصر جهانی شدن. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۴(۴)، ۱-۲۴.

مهرعلیزاده، بداله. (۱۳۸۲). جهانی شدن و آموزش عالی، تهران: دایره المعارف آموزش عالی، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، وزارت علوم و تحقیقات.

Altbach, GP, Knight J. (2007). The internationalization of higher education: Motivations and realities. *J Study of International Education*; 11(3-4):290-305.

Altbach, PG, Teichler U. (2001). Internationalization and exchanges in a globalized university. *Journal of Stud International Education*, 5:5-25.

Attaran, M. (2005). *Globalization and its impact on education goals*. London; First Conference on Globalization and Education.

Bain Luu D, Madeleine F. (2006). *Students on the move: The future of international students in the United States*. USA: ACE Center for International Initiatives.

Ball, S. (2011). *Global education, heterarchies, and hybrid organisations*. in Mok, Ka-Ho (ed.), *The Search for New Governance of Higher Education in Asia*, Palgrave Macmillan, New York, pp. 13-27.

Bostrom C., A. (2009). Diffusion of internationalization in Turkish higher education. *Journal of Stud International Education*, 10(5):11-9.

Chiang, L. C. (2008). Rethinking the state of the art of internationalization of higher education in Taiwan from the nature of strategy and execution [In Chinese]. *Educational Resources and Research Bimonthly*, 8(83), 47-70.

Childress, Lisa K. (2009). Internationalization Plans for Higher Education Institutions. *Journal of Studies in International Education*, 3, 3: 289-309).

Childress.L. (2010). *The Twenty- first century University: Developing Faculty Engagement in Internationalization* (Complicated Conversation: A book Series of Curriculum Studies). New York: Peter Lang.

Dewey, Patricia and Stephen. D. (2009). Reason Before Passion: Faculty Views on Internationalization in Higher Education. *Higher Education*, 58:491-504.

DeWit H. (2009). *Internationalization of higher education in the United States and Europe: A historical, comparative and conceptual analysis*. Connecticut: Greenwood Press.

Egron-Polak, E. (2011). Monitoring internationalization of higher education. *International Higher Education*, No. 63, spring 2011, The Boston College Center for International Higher Education, Boston, pp. 2-3.

Ellingboe B., J. (1998). *Divisional strategies to internationalize campus portrait: Results, resistance and recommendations from a case study at a U.S. university*. In: Mestenhauser JA, Ellingboe BJ, editors. *Reforming the higher education curriculum: Internationalizing the campus*. Phoenix, AZ: American Council on Education and ORYX Press.

- Fegan, J. & Field, M. H. (2009). *Education across borders: Politics, Policy and Legislative Action*, New York, Springer Science+Business Media.
- Göthenberg, A., Adler, N. & Pohl, H. (2012). *Strategic measures for competitive internationalization of higher education and research*. Paper at Institutional Management in Higher Education, OECD, Paris, France.
- Haigh, M. (2008). Internationalization, Planetary Citizenship and Higher Education Inc., Compare, *A Journal of Comparative and International Education*, 38, 4: 427-440.
<http://www.humanitiesportal.com/FA/ArticleView.html?ArticleID=47963&SubjectID=5307>
- Hudzik, John, K. (2011). *Comprehensive Internationalization from Concept to Action*. NAFSA, Association of International Educators, Washington, D.C. p. (6).
- Jane Hemsley-Brown, Izhar, O. (2006). Universities in a competitive global marketplace: A systematic review of the literature on higher education marketing. *International Journal of Public Sector Management*, Vol. 19 Iss: 4, pp.316 – 338.
- Jarle, T. (2010). Two worlds of change: on the internationalization of universities. *Globalization, Societies and Education*, Vol. 8, No. 3, pp. 351-368.
- Ka Ho Mok (2007). Questing for Internationalization of Universities in Asia: Critical Reflections. *Journal of Research in International Education*, vol. 11 no. 3-4 433-454.
- Kerr, C. (1990). The internationalization of learning and the nationalization of the purposes of higher education: Two laws of motion in conflict? *European Journal of Education*, 25:5-22.
- Khosravi Nejad, S. (2014). Studying Internationalization Challenges of Curriculum Along With Developing Higher Education System According to Approaches and Experiences. *International Journal of Advanced Studies in Humanities and Social Science*, Volume 2, Issue2: 144-153.
- Knight J, de Wit H. (1995). *Strategies for internationalization of higher education: A comparative study of Australia, Canada, Europe and the USA*. Amsterdam: European Association for International Education.
- Knight J. (1997). *Internationalization of higher education: A conceptual framework*. In: Knight J, de Wit H, editors. *Internationalization of higher education in Asia Pacific countries*. Amsterdam: European Association for International Education (EAIE).
- Knight J. (2004). Internationalization remodel: Definition, approaches and rationales. *J Stud Int Educ.*; 8:5-31.
- Knight J. (2006). *Internationalization of higher education: New directions, new challenges*. Paris: International Association of Universities.

- Leask B. (2004). Internationalization outcomes for all students using Information and Communication Technologies (ICTs). *Journal of Stud International Education*, 8:336-51.
- Matei, L. & Iwinska, J. (2014). *Patterns of funding the internationalization of higher education*. Future of Higher Education – Bologna Process Researchers’ Conference, FOHE-BPRC, Central European University, Budapest.
- Mcginn N. (1997). The impact of globalization on national education system. *Prospects*. 48(1):208.
- McKellin, K. (1998). *Maintaining the momentum: The internationalization of British Columbia's post secondary institutions*. Victoria, BC: The British Columbia Centre for International Education.
- Papastephanou, M. (2005). Globalism & cosmopolitanism as an educational ideal. *Educational philosophy & theory*. Vol. 37, p. 533-551.
- Ramazan Ahmad, P. (2014). The Internationalization of Higher Education in University of Raparin “Kurdistan Region-Iraq”. *International Journal of Education and Research Vol. 2 No. 8*.
- Rami M. Ayoubi, Hiba K. Massoud, H. (2007). The strategy of internationalization in universities: A quantitative evaluation of the intent and implementation in UK universities. *International Journal of Educational Management*, Vol. 21 Iss: 4, pp.329 – 349.
- Rebecca, C. (2009). *Current Trends in Higher Education: Internationalization in Asia and Oceania*. Drexel University: Comparative and International Higher Education.
- Ruby, A. (2010). *The Uncertain Future for International Higher Education in the Asia-Pacific Region*. Washington, D.C.: NAFSA: Association of International Educators. Available from: www.nafsa.org/uploadedFiles/NAFSA_Home/Resource_Library_Assets/Networks/SIO/UncertainFuture.pdf.
- Sanderson, G. (2008). A Foundation for the Internationalization of The academic Self. *Journal of Studies in international Education*. Vol. 12, No.3,:276-307.
- Scott, P. (1998). *The globalization of higher education*. Buckingham: SRHE and Open University Press.
- Singh, M. (2010). Re-orienting Internationalization in African Higher Education. *Globalization, Societies and Education*, 8(2), 269-282.
- Stohl, M (2007). We Have Met The Enemy and Is Us: The Role Of the Faculty in the Internationalization of Higher Education in the Coming Deming. *Journal of Studies in International Education*, p.359.
- Taggart MC, Cook RJ. (2003). *Internationalization of the curriculum*. Ottawa, ON: Canadian Bureau for International Education.

Tremblay, K. (2005). Academic mobility and immigration. *Journal of Study International Education*, 9:196-228.

Zhan, Yu. (2010). *Impact of International Foundations on the Internationalization of Chinese Research Universities: A Case Study of Peking University and the Nippon Foundation Group*, Columbia University.